

۱۳۸۹، ۵، ۳
۵، ۷۲، ۲۹۹



۱۳۲۳۸۵



دانشکده حقوق

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی

موضوع:

تعیین و تقویم خواسته‌ی دعوی و آثار حقوقی آن

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر عبدالله شمس

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر حسین آبادی

دانشجو:

۱۳۸۹ / ۷ / ۲۴

امان الله شفیعی

سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹

۱۴۲۴۸۵

کتابخانه‌ی مرکز علمی بزرگ
شیراز

تعیین و تقویم خواسته‌ی دعوی

و آثار حقوقی آن

« مطالب مندرج در پایان نامه، صرفاً بیان عقاید دانشجو

است و دانشکده هیچ گونه مسئولیتی، در قبال نظریات

مطرح شده، نخواهد داشت.»

تقدیم به

همسرم، که دشواری های مسیر تحقیق را با

بردباری تمام تحمل نمودند.

علايم اختصاری

قانون آیین دادرسی مدنی	ق.آ.د.م
قانون مدنی	ق.م
قانون اجرای احکام مدنی	ق.ا.ا.م
قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه عمومی و انقلاب	ق.ا.ق.ت.د.ع.ا
قانون نحوه ی وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین	ق.ن.و.د.د

چکیده

خواسته، مهمترین رکن دعوای حقوقی است. با این همه، بررسی دقیق و جامعی در مورد آن به عمل نیامده و بسیاری از بحث های مربوط به خواسته، همواره مورد اختلاف محاکم بوده است. در تحقیق حاضر به عنوان گام مقدماتی، در طی دو بخش به بررسی این موضوع پرداخته ایم. در بخش اول، موضوع تعیین خواسته به بحث گذاشته شده و سپس در همین راستا، موضوعاتی همچون ویژگی های خواسته (معلوم بودن، منجز بودن، جزمی بودن) و توصیف و تعدد خواسته و خواسته ضمنی و نقش اصحاب دعوی و دادگاه در این زمینه بررسی گردیده است. در ادامه تغییرات احتمالی خواسته را، در جریان رسیدگی به دعوی، مطرح و تبیین نموده ایم. البته در هر مورد، مباحث جزئی و مفصلی به میان آورده و دیدگاه های متفاوتی را که در این خصوص وجود داشته مورد مطالعه قرار داده ایم. در این بخش، سه اصل مهم از اصول داری را در مباحث مربوطه تشریح کرده ایم که عبارتند از: اصل استقلال دعاوی، اصل تسلط طرفین بر جهات حکمی و قانونی دعوی و اصل تغییر ناپذیری دعوی که اصل دور از دسترس بودن دعوی نیز نامیده شده است. آثار تعیین و تغییر خواسته نیز حسب مورد مورد اشاره قرار گرفته است.

در بخش دوم از این تحقیق، موضوع تقویم و ارزیابی خواسته را ارایه داده ایم. به همین منظور ابتدا اصل لزوم تقویم خواسته توضیح داده شده و استثنای آن ذکر گردیده و در فصل دوم نقش طرفین و دادگاه در تقویم خواسته مورد مطالعه قرار گرفته است. در این فصل به اصل آزادی خواهان در چگونگی تقویم خواسته و در ادامه به استثنای این اصل اشاره کرده ایم. بحث پایانی تحقیق نیز به موضوع آثار تقویم خواسته اختصاص یافته است.

نکته آخر این که نگارش این موضوع منحصرًا یک گام مقدماتی و مختصر بوده که نیازه بازنگری و بررسی بیشتر دارد.

کلید واژه: خواسته، تغییر خواسته، تقویم خواسته، اصل تغییر ناپذیری خواسته.

فهرست مطالب:

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۷	بخش اول: تعیین و تغییر خواسته ی دعوی و آثار آن
۱۰	فصل اول: تعیین خواسته ی دعوی و آثار آن
۱۲	گفتار اول - خواسته (ویژگی ها- توصیف - تعدد خواسته - خواسته ضمنی).....
۱۴	مبحث اول - ویژگی های خواسته و ضمانت اجرای آن ها.....
۱۵	بند اول: معلوم بودن خواسته.....
۱۶	۱- عدم لزوم معلوم بودن خواسته.....
۱۷	۲- لزوم معلوم بودن خواسته.....
۱۹	بند دوم: منجز بودن خواسته.....
۲۰	بند سوم: جزمی بودن خواسته.....
۲۱	مبحث دوم - توصیف خواسته.....

۲۴مبحث سوم: تعدد خواسته
۲۵بند اول: اصل استقلال دعاوی
۲۸بند دوم: استثناء - شرایط و مبنای تعدد
۳۲۱- ارتباط دعاوی
۳۳۲- وحدت منشأ
۳۴۳- امکان رسیدگی در یک دادرسی
۳۵بند سوم: آثار تعدد خواسته
۳۵۱- هزینه دادرسی
۳۶۲- صلاحیت
۳۶۳- قابلیت شکایت از رای
۳۷۴- صدور رأی
۳۸بند چهارم: ضمانت اجرای اصل استقلال دعاوی
۴۰مبحث چهارم: خواسته ی ضمنی
۴۲گفتار دوم: نقش طرفین و دادگاه در تعیین خواسته
۴۴مبحث اول - نقش طرفین دعوی در تعیین خواسته
۴۵بند اول: نقش خواهان
۴۷بند دوم: نقش خوانده
۴۸مبحث دوم - نقش نظارتی و کنترلی دادگاه در تعیین خواسته
۴۸بند اول: نقش دادگاه در نظام های مختلف دادرسی
۴۹بند دوم: چگونگی نظارت
۵۰۱- ارزیابی ویژگی های خواسته

۵۱ ۲- ارزیابی شرایط مربوطه به تعدد خواسته
۵۱ ۳- ارزیابی جهات حکمی و موضوعی
۵۳ گفتار سوم - آثار تعیین خواسته
۵۴ مبحث اول: آثار مربوط به طرفین دعوی
۵۴ بند اول - لزوم یا عدم لزوم تقویم خواسته
۵۵ بند دوم - تعیین نوع دلیل
۵۶ بند سوم - حق شکایت از رای
۵۸ بند چهارم - تعیین محدوده ی دفاع خوانده
۵۸ بند پنجم - لزوم یا عدم لزوم تعیین وکیل
۵۸ بند ششم - قابلیت ارجاع به داوری
۵۹ مبحث دوم - آثار مربوط به وظایف دادگاه
۵۹ بند اول - بررسی صلاحیت دادگاه
۶۱ بند دوم - تجزیه یا تفکیک دعاوی
۶۱ بند سوم - تعیین قانون حاکم بر دعوی
۶۲ بند چهارم - تعیین محدوده ی رسیدگی و صدور حکم
۶۴ بند پنجم - لزوم اعمال اصل تناظر
۶۶ بند ششم - محدوده ی اجرای حکم
۶۷ بند هفتم - اعتبار امر قضاوت شده
۶۸ بند هشتم - تامین خواسته
۶۸ بند نهم - تعیین حق الوکاله ی وکیل
۷۰ فصل دوم - تغییر خواسته ی دعوی و آثار آن

۷۲	گفتار اول - تغییر خواسته ی دعوی
۷۴	مبحث نخست: اصل تغییر ناپذیری دعوی.....
۷۶	مبحث دوم: موارد استثناء - شرایط تغییر خواسته.....
۷۷	بند اول : ارتباط دو خواسته وحدت منشأ.....
۷۷	۱- ارتباط دو خواسته.....
۷۸	۲- وحدت منشأ.....
۷۹	بند دوم: محدودیت زمانی تغییر
۸۱	مبحث سوم - مصادیق تغییر خواسته به مفهوم اعم
۸۲	بند اول: کاهش خواسته.....
۸۳	بند دوم: افزایش خواسته.....
۸۵	بند سوم: تغییر خواسته یا نحوه ی دعوی.....
۸۵	بند چهارم: تغییر نحوه دعوی
۸۶	گفتار دوم - آثار تغییر خواسته.....
۸۷	بند اول: پرداخت و یا استرداد مازاد هزینه ی دادرسی.....
۹۰	بند دوم: محاسبه خسارت دادرسی
۹۱	بند سوم: صلاحیت دادگاه.....
۹۲	بند چهارم: لزوم ابلاغ به خواننده
۹۴	بند پنجم: احتمال تجدید جلسه.....
۹۵	بند ششم: امکان اعتراض خواننده به تقویم خواسته های جدید.....
۹۵	بند هفتم: تاثیر در محدودهای رسیدگی و صدور حکم
۹۷	بخش دوم - تقویم خواسته ی دعوی و آثار آن

- فصل اول - اصل لزوم تقویم خواسته و استثنای وارد بر آن ۹۹
- گفتار اول - اصل لزوم تقویم خواسته و ضمانت اجرای آن ۱۰۱
- مبحث اول - اصل لزوم تقویم خواسته ۱۰۲
- مبحث دوم - ضمانت اجرای اصل لزوم تقویم خواسته ۱۰۳
- گفتار دوم - استثنای وارد بر اصل لزوم تقویم خواسته ۱۰۵
- مبحث اول - خواسته ذاتاً غیر قابل تقویم باشد - خواسته های غیر مالی ۱۰۶
- بند اول: تعریف خواسته ی غیر مالی ۱۰۶
- بند دوم: اختلاف در تعیین مصادیق ۱۰۸
- بند سوم: رجوع به اصل در موارد اختلاف ۱۰۹
- مبحث دوم - خواسته موقتاً قابل تقویم نباشد ۱۱۰
- مبحث سوم - خواسته وجه رایج ایران باشد ۱۱۲
- فصل سوم - نقش طرفین و دادگاه در تقویم خواسته ۱۱۴
- گفتار اول: نقش خواهان در تقویم خواسته ۱۱۶
- مبحث اول: اصل آزادی خواهان در چگونگی تقویم خواسته ۱۱۷
- مبحث دوم - استثنای اصل آزادی خواهان ۱۱۸
- بند اول: خواسته وجه رایج خارجی باشد ۱۱۸
- بند دوم: بهای خواسته موقتاً معلوم نباشد ۱۱۸
- بند سوم: خواسته ی غیر منقول راجع به املاک (در خصوص هزینه دادرسی) ۱۱۹
- گفتار دوم - نقش خواننده در تقویم خواسته (اعتراض به بهای خواسته) ۱۲۱
- مبحث اول: مبنای حق اعتراض خواننده ۱۲۲
- مبحث دوم: شرایط اعتراض ۱۲۳

۱۲۵مبحث سوم: نتیجه ی اعتراض
۱۲۸گفتار سوم - نقش دادگاه در تقویم خواسته
۱۳۱فصل سوم - آثار تقویم خواسته
۱۳۲۱- صلاحیت دادگاه
۱۳۳۲- هزینه دادرسی
۱۳۳۳- قابلیت تجدید نظر و فرجام خواهی
۱۳۳۴- محاسبه ی حق الاجرا
۱۳۴۵- محاسبه ی حق الوکاله
۱۳۵نتیجه گیری
۱۳۷منابع

مقدمه:

دعوای حقوقی دارای ارکان متعددی است که از همان ابتدا و هنگام تقدیم دادخواست، باید دقیقاً تعیین و مشخص شوند. یکی از این ارکان، «خواسته و بهای آن» است که ضرورت و لزوم تعیین آن در بند 3 ماده 51 ق.آ.د.م مورد اشاره قرار گرفته و به جرات می توان آن را مهم ترین رکن دعوی قلمداد نمود. زیرا محور و مبنای دعوی را تشکیل می دهد و تاثیرات بسیاری را بر دعوی می گذارد. به نحوی که دعوی در بسیاری از اوصاف و ویژگی ها، از خواسته تبعیت می نماید و به عبارت دیگر، نسبت به خواسته، وصف تبعی دارد.

همچنین تعیین خواسته و بهای آن، آثار متعدد و فراوانی در روند رسیدگی داشته و می تواند در صلاحیت دادگاه، محدوده ی رسیدگی دادگاه، اعتبار امر مختومه، قابلیت شکایت از رای و بسیاری موارد دیگر، موثر واقع شود.

همین وابستگی متقابل بین دعوی و خواسته، از یک سو و آثار مترتب بر تعیین خواسته، از سوی دیگر، انگیزه‌ی اصلی در انجام تحقیق فعلی گردیده تا با بررسی دقیق تر بتوان پایه‌ای از پرسش‌ها و ابهامات موجود را مورد بحث و مطالعه قرار داده و پاسخ مناسبی برای آن‌ها یافت.

به همین منظور، مباحث مورد نظر را در دو بخش تقسیم بندی خواهیم نمود. در بخش اول به بحث و بررسی موضوع «تعیین خواسته و آثار آن» پرداخته و در بخش دوم «تقسیم خواسته و آثار آن» را مطالعه خواهیم کرد. البته در هر بخش، مطالب جزئی و مفصلی در زیر مجموعه‌ی فصول و گفتارها و مباحث، مطرح خواهد شد.

اما در همین مقدمه و قبل از ورود به بخش‌های اصلی، تبیین و توضیح عنوان تحقیق، و واژه‌های آن ضروری و لازم است تا در میانه‌ی بحث، مراد و منظور ما از به کارگیری این واژه‌ها، روشن و واضح باشد. بنابراین، مفهوم «خواسته»، «دعوی» و «ارتباط خواسته و دعوی» را به طور مختصر بررسی خواهیم کرد.

1- خواسته

خواسته یا مدعی به، موضوع مورد مطالبه‌ی خواهان را گویند که علی القاعده باید در دادخواست و در ستون خواسته قید شود. بنابراین برای تعیین خواسته‌ی دعوی، باید به ستون خواسته‌ی دادخواست توجه نمود. البته این مربوط به وضعیت عادی و معمولی است. گاهی خواسته‌ی اولیه که در دادخواست قید شده، در جریان دادرسی دچار تحولاتی شده و کاسته یا افزوده می‌شود و حتی ممکن است تغییر یابد. در واقع ماده 98 ق.آ.د.م، این اجازه و اختیار را به خواهان سپرده تا در هر مرحله‌ی از دادرسی

خواسته را کاهش دهد و یا تا پایان جلسه ی اول، تحت شرایطی، آن را افزوده یا تغییراتی به آن وارد نماید. همچنین «خواهان حق دارد، ضمن تقدیم دادخواست یا در اثنای دادرسی و یا به طور مستقل، خسارت ناشی از دادرسی یا تاخیر انجام تعهد یا عدم انجام آن را که به علت تقصیر خواننده به ادای حق یا امتناع از آن به وی وارد شده یا خواهد شد، همچنین اجرت المثل را به لحاظ عدم تسلیم خواسته یا تاخیر تسلیم آن، از باب اتلاف و تسبیب از خواننده مطالبه نماید.» (ماده 515 ق.آ.د.م)

پس می بینیم که اولاً خواسته ی مندرج در دادخواست، ممکن است تغییر یافته باشد، ثانیاً برخی از خواسته ها، ضرورتاً لازم نیست در دادخواست اولیه ذکر شود. بلکه در جریان دادرسی و قبل از اعلام ختم رسیدگی می توان آن ها را مطالبه نمود. در واقع این امکان، یک استثنایی است که بر اصل لزوم تعیین خواسته در دادخواست، وارد شده است¹ و ماده 515 ق.آ.د.م به این موارد استثنایی اشاره دارد. بدیهی است، هر خواسته ای که خواهان داشته باشد، چه در دادخواست ذکر شود و چه در اثنای دادرسی مطرح گردد، به هر حال باید در راستای اعمال اصل تناظر، به خواننده ابلاغ گردد.

با لحاظ این دو نکته، مشخص می شود که دادرسی جهت تعیین نهایی خواسته و صدور حکم راجع به آن، می بایست کلیه ی اوراق پرونده را دقیقاً بررسی نموده و به متن دادخواست اکتفا ننماید.

ما نیز در انتخاب عنوان تحقیق، از عبارت تعیین خواسته ی «دعوی» به جای تعیین خواسته «در دادخواست»، استفاده کردیم تا خواسته را با لحاظ تغییرات و تحولات بعدی

¹ - عبدالله، شمس، «آیین دادرسی مدنی»، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، پاییز 1382، ص 371

آن در جریان دعوی، بررسی نمایم. در واقع هدف ما، بررسی خواسته ای است که دادگاه پس از اعلام ختم رسیدگی و در هنگامی صدور رای، با در نظر گرفتن کلیه ی تقاضا و درخواست ها و نیز تغییرات وارده، به ارزیابی و قضاوت راجع به آن می پردازد و نه صرفاً خواسته ای که در هنگام تقدیم دادخواست، توسط خواهان ذکر می گردد. جهت رعایت همین تفکیک، در فصل اول از بخش اول، بحث تعیین خواسته ی اولیه ی مندرج در دادخواست و در فصل دوم این بخش، تغییرات خواسته در جریان دعوی را مطالعه خواهیم کرد.

2- دعوی

نکته ی دوم که باید در همین آغاز مورد موشکافی قرار گیرد، عبارت «دعوی» و مفهوم آن می باشد. در حقیقت تعاریف متعدد و گوناگونی از دعوی به عمل آمده که در کتب حقوقی ثبت شده است. اما آن چه برای ما اهمیت دارد، این است که دعوی در مفهوم، به دو صورت به کار می رود. گاهی در مفهوم «فعلی» استعمال می شود، که منظور از آن، طرح کردن اختلاف، اقامه نمودن دعوی، تقدیم نمودن دادخواست می باشد. گاهی نیز در معنای «مفعولی» به کار می رود که منظور از آن، اختلاف طرح شده در نزد محکمه می باشد که یک امر مستمر و موجود و ادامه دار است. بنابراین هر گاه از عبارت اقامه ی دعوی، طرح دعوی، تقدیم دادخواست و دعوی، آغاز نمودن دعوی استفاده می شود، منظور گوینده، غالباً معنای فعلی کلمه است و هرگاه عباراتی همچون دعوی مطروحه، دعوی تحت رسیدگی، دعوی مالکیت یا تصرف یا نفقه یا خلع ید یا ...، دعوی منقول، دعوی مالی، به کار می رود، مراد معنای مفعولی کلمه است.

در عنوان تحقیق کنونی، مقصود ما، معنای مفعولی کلمه ی دعوی بوده است. یعنی همان طور که اشاره شد، هدف ما بررسی خواسته در یک دعوی مطروحه و مستمر می باشد که از لحظه ی تقدیم دادخواست و طرح دعوی (به معنای فعلی) شروع شده و همچنان تا زمان صدور حکم ادامه می یابد. به همین دلیل تغییرات خواسته نیز مورد مطالعه قرار می گیرد. به عبارت دیگر علاوه بر خواسته ی مذکور در حین تقدیم دادخواست و طرح دعوی (به معنای فعلی)، به بررسی خواسته های احتمالی بعدی، که در جریان دعوی (به معنای مفعولی) مطرح می شوند نیز می پردازیم.

3- ارتباط دعوی و خواسته

با دقت نظر در آن چه گفته شد، می توان چنین استنباط کرد که دعوی در هر دو معنای فعلی و مفعولی، ماهیت جداگانه ای از خواسته، دارد. در حقیقت خواسته، صرفاً یکی از ارکان دعوی بوده و موضوع آن تلقی می شود. اما ارتباط و تاثیر متقابل دعوی و خواسته، تا حدی است که همیشه دعوی را، با نام موضوع آن، نامگذاری می کنند و خصوصیات و اوصاف خواسته نیز بر دعوی بار می شود. برای مثال، چنان چه خواسته، مالی یا غیر مالی، منقول یا غیر منقول باشد، دعوی نیز به تبعیت از آن، مالی یا غیر مالی و منقول یا غیر منقول خواهد بود.

همچنین دعاوی به تبعیت از موضوعات خود، نامگذاری می شوند. مانند دعاوی مالکیت، تصرف، خلع ید، فسخ و ابطال معامله و

اینک پس از توضیح مطالب فوق به این مطلب باید اذعان و اعتراف نمود که نوشته ی حاضر، صرفاً آغازی برای بحث های عمیق و جامع بوده و به نحو مختصر فراهم گردیده و

بی تردید دارای نواقصی می باشد. امید است نواقص موجود با گام های بعدی
محققین، تکمیل گردیده و آثار بنیادین و راهبردی راجع به موضوع تعیین خواسته، تدوین
گردد.

پاییز ۱۳۸۸

بخش اول

تعیین و تغییر خواسته ی دعوی و آثار آن